

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بسم الله الرحمن الرحيم

مضامین مشترک عشق در اشعار نزار قبانی و حسین منزوی

محسن دولتی ۱

میترا عزیزی ۲

دانشگاه آزاد اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده :

عشق به زن از متعالی ترین احساس مشترک روح انسان هاست که به عنوان یکی از مضامین جاویدان شعری در ادبیات تمام ملل جهان و در همیشه ی روزگاران حضور داشته است . نمیتوان ادبیات و شعر را بدون حضور زن تصور کرد چرا که اگر این مضمون والا از شعر و ادبیات کنار گذاشته شد چیزی جز توصیف و تحلیل های صرف تاریخی و اجتماعی و سیاسی و عامیانه چیز دیگری از ادبیات بر جا نمی ماند . شاعری را نمی توان پیدا کرد که در اشعار خود به نحوی به بحث زن نپرداخته باشد و در مورد عشق زن قلم سزایی نکرده باشد . هر چند کیفیت و کمیت پرداخت شاعران به زن و عشق او متفاوت بوده ولی در کل مقوله ی زن در هر زمان و تاریخ یکی از مباحث اصلی شعر شاعران بوده است . در این مقاله خصوصیات و ویژگی های بارز زن در اشعار نزار قبانی نامی ترین و پرنفوذ ترین شاعر معاصر عرب و حسین منزوی از بزرگترین شعرای معاصر ایران زمین به تصویر کشیده شده است . با بررسی تطبیقی و مقایسه ای این دو شاعر تفاوت و شباهت و کیفیت و کمیت های اشعار آن به دید افکار عمومی از سلاقی مختلف گذاشته شده است . این مطالعه و مقایسه به روش تطبیقی و به شیوه اسنادی کتابخانه ای انجام شده است و شعر های این دو شاعر بزرگ ایرانی و سوری در مورد عشق و زن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و به جایگاه و خواستگاه و علل و عوامل پیدایش آن اشاره شده است . زبان هنر یکی از بهترین زبان ها برای بیان عشق است . هنرمندان و بالاخص شاعران نیز در طول تاریخ از عشق بسیار دم زده و آثار شکوهمندی را آفریده اند. عشق را به دو نوع مجازی و حقیقی می توان تقسیم کرد که عشق مجازی یا همان عشق زمینی، بیشتر مورد توجه شاعران بوده است. اما به نظر نمی رسد بروز و ظهور این عشق در تمام آثار هنری یکسان باشد. چنانچه با بررسی تطبیقی اشعار عاشقانه ی نزار قبانی و حسین منزوی از منظرهای مختلفی چون صیغه ی اقلیم، موقعیت های سیاسی و اجتماعی، گستره ی فرهنگی و نوع عشق ورزی مشاهده شد، گاهی فاصله ی بسیاری در ابراز عشق از وجود دارد. برای مثال نزار قبانی عشق را با مسائل سیاسی در هم می آمیزد و رنگ و لعابی جهانی به آن می زند، در حالی عشق از زبان منزوی حالتی شخصی و درون مرزی دارد

واژه های کلیدی : نزار قبانی ، حسن منزوی ، زن ، عشق ، شعر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مقدمه :

هدف از این تحقیق بررسی مقایسه ای از چهره ی زن در اشعار نزار قبانی و حسین منزوی می باشد. پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه به روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه ی مضامین عاشقانه و توجه به زن به عنوان معشوق زمینی در اشعار حسین منزوی و نزار قبانی بپردازد، در این مقاله ضمن تعریف مختصری از عشق به مضامین مشترک با عنوان زن در شعر دو شاعر با ارائه های نمونه های شعری اشاره شده است. این پژوهش می نمایاند که میان دیدگاه دو شاعر نسبت به زن تفاوت ها و شباهت هایی وجود دارد. هر دو شاعر عشق را سرنوشتی مختوم می دانند و نسبت به معشوق زمینی نظری ایجابی دارند. این دو شاعر در دوره ی تاریخی معاصر می زیستند و شباهت و تفاوت هایی در نگرش به مقوله ی زن در اشعار خود داشته اند که بیان آن در این تحقیق و مقاله می پردازیم. تاثیر پذیری این دو شاعر از مقوله ی عشق و زن به تجربیات شخصی گذشته ی آنها و مسائل اجتماعی و فرهنگی پیرامونی خود بر می گردد. با تامل در مضامین شعری حسین منزوی و نزار قبانی یکی از شاعران بزرگ و تاثیر گذار جهان عرب می توان به رگه هایی از مشابهت این دو شاعر بزرگ در زمینه ی زن پی برد. گرچه نوع کیفیت و کمیت عشق به زن در هر دو شاعر با هم تفاوت دارد. عشق این دو شاعر به زن موجب خلق اولین آثار شعری و پیشرفت و محبوبیت آنان می شود. عشق به زن در اشعار نزار آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است

همان گونه که می دانیم ادبیات یک سرزمین دریچه ای است که می توان از طریق آن بسیاری از مباحث اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. این موضوع یعنی شناخت مقولات اجتماعی یک فرهنگ از طریق ادبیات آن، یکی از اهداف و کارکردهای جامعه شناسی ادبیات است. (ستوده، ۱۳۷۸، ۶۳)

نزار قبانی زن را کاملا زیبا و وزین و در اوج زیبایی های ظاهری و درونی به مخاطب معرفی می کند و زن را مظهر زیبایی به مخاطب می شناساند. عشق به زن نخستین و اساسی ترین محور و موضوع در شعر نزار است و اولویت اول اشعارش را تشکیل می دهد. نگاه او در این قلمرو کاملا نو، زیبا شناسانه و پایه گذار اندیشه های روشن ذهن و ضمیر زن است. (قبانی، ۱۳۸۲، ۱۱) نزار هر چه باشد شاعر زن و شراب است و در این کار هم بسیار موفق بوده است به حدی که قالب ناقدان معاصر عرب او را همطراز (عمرین ابی ربیع) بزرگترین شاعر شعرهای عاشقانه تاریخ ادبیات عرب می دانند. محور اصلی اکثر ۴۲ دفتر شعری نزار قبانی به زن و عشق اشاره دارد. (هر چند دوران شعری نزار شامل دو حوزه ی عشق و سیاست است.) در اشعار منزوی زن مانند اشعار نزار قبانی به صورت موجودی کاملا زیبا از نظر ظاهری توصیف نمی شود و اکثرا به صورت عشق اساطیری و دست نیافتنی در اشعار حسین منزوی ظهور و بروز پیدا می کند. وی پرداختن به زنان را مدیون فضا و شرایط خاص اجتماعی روزگار مدرن می داند. زن در اشعار حسین منزوی و نزار قبانی از لحاظ بعد روحانی و جسمانی و شرایط روحی و روانی آن دارای نقاط مشترک هستند. هر دو تلاش دارند تا با اصالت بخشیدن به زن جایگاه او را ارتقاء دهند. نزار قبانی دلیل شعر سرایی و پرداختن به زن در اشعار خود را نجات دادن زن از دست مردان جاهل قبایل عرب در زمان خود می داند. آنان به زن نگاه فرا سرزمینی دارند و در جهت اعتلای فرا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سرزمینی شخصیت زن شعر سرایی می کنند و نگاهشان صرفاً محدود به زنان سرزمین خود نمی باشد. یکی از ضرورت هایی که باعث شد این مقاله به نگارش درآید معرفی و مقایسه و زوایای دید این دو شاعر بزرگ ایرانی و سوری راجب مقوله ی زن و عشق به معشوق می باشد و سعی شده از حوزه ی جامع شناسی ادبیات به تاثیر گذاری جامعه و نقش آنان در نظر این دو شاعر اشاره شود.

اهمیت ادبیات تطبیقی در بررسی نقش زن در شعر نزار قبانی و حسین منزوی

با توجه که این بررسی از منظر ادبیات تطبیقی انجام شده جا دارد تا برای روشن شده موضوع ابتدا تعریفی بر ادبیات تطبیقی داشته باشیم.

ادبیات تطبیقی :

ادبیات تطبیقی یکی از دانش های نوپا و کارآمد است که ادبیات همه ی جهان را به عنوان مجموعه ای بهم پیوسته با وجود اختلافات ظاهری زبانی بررسی می کند. ادبیات تطبیقی یکی از ستون های نقد ادبی در عصر حاضر است که ادبیات بومی را از انزوا در آورده و در دید افکار عمومی با سلايق مختلف قرار داده است. برخورد مناسب میان ملل های مختلف که منجر به مطالعات تطبیقی از دوره ی گذشته شد مهم ترین عاملی ست که باعث به وجود آمدن ادبیات تطبیقی گردید. ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه ی اصلی نقد ادبی در حقیقت به سنجش آثار، عناصر، گونه های ادبی، سبک ها، دوره ها و حتی شخصیت های ادبی می پردازد. ادبیات تطبیقی از این منظر همان شناخت تاریخ ادبیات جهانی ست چون هویت تاریخی دارد و تکمیل کننده ی پژوهش های تاریخ ادبیات می باشد، لذا برای ادبیات تطبیقی دو کارکرد میتوان فرض کرد، کارکرد زیباشناختی (چون در حوزه ی نقد ادبی ست) و کارکرد معرفتی (چون در زمره ی تاریخ ادبیات جای می گیرد).

به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی یعنی بررسی ادبیات ملی یک کشور در خارج از مرز های آن و نیز بررسی روابط ادبیات ملی با ادبیات زبان های دیگر و نیز سایر رشته های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند فلسفه، تاریخ.

از مهم ترین مولفه های ادبی که در این مقاله استفاده شده است می توان به : تاثیر و تاثر، روابط بینامتنی، مطالعات فرهنگی، نقد ادبی، تاریخ ادبی، نظریه دریافت اشاره کرد. لازم به ذکر است در خصوص نظریه ی دریافت، سوابق مطالعاتی در خصوص این دو شاعر که قبلاً به قلم تحریر در مقالات و کتب مختلف در آمده است استخراج گردیده که در منابع به آن اشاره شده است. از عواملی که باعث ابداع و ترویج و پیشرفت ادبیات تطبیقی در نژاد افکار عمومی شد می توان به نقش ادبیات تطبیقی در غنی سازی و بارورسازی ادبیات خودی و آشنایی با فرهنگ ها و ادبیات و اندیشه های دیگر ملل و کاهش تعصبات قومی اشاره کرد. از بین انواع مکاتب ادبیات تطبیقی (مکتب فرانسوی، مکتب آمریکایی، مکتب مارکسیستی) این مقاله و پژوهش در مکتب آمریکایی به نگارش در آمده است. در مکتب آمریکایی بر خلاف مکتب فرانسه به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تاثیر و تاثر توجهی نمی شود. آنچه در این مکتب اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی ست. ادبیات تطبیقی در این مکتب با نقد مدرن گره خورده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

است. در این مکتب، ادبیت یک اثر ادبی مرکز توجه می باشد. منظور از ادبیت یعنی تمام ویژگی هایی که یک اثر را به اثر ادبی تبدیل می کند. لذا در بررسی و تطبیق آثار ادبی باید به میزان ادبیت آن توجه داشت نه روابط تاریخی و رابطه ی تاثیر و تاثر.

متن:

زن و عشق در شعر نزار قبانی:

نزار قبانی در میان شاعران عرب به شاعر (عشق و زن) شهرت یافته است. زن در شمایی کاملاً خاص و ملموس در اشعار نزار قبانی تجلی دارد. زن گاهی به عنوان زن، گاهی به عنوان معشوق آسمانی و گاهی در هیبت موجودی کاملاً زیبا و شایسته ی دوستی و دوست داشتنی در کلام نزار قبانی بروز و ظهور می یابد. ادونیس در باره ی شعر نزار قبانی می گوید: (آنچه موجب جنجالی شدن شعر نزار قبانی در جهان شده است. برداشت و درک مخاطبان شعر اوست و همین امر باعث شده است تا قبانی بتواند جایگاه واقعی خود را در شعر معاصر پیدا کند. نزار قبانی بزرگترین عاشقانه سرا و شناخته ترین شاعر معاصر عرب در جهان می باشد. به قول شفیعی کدکنی، هیچ شاعر نوین یا نوپردازی به اندازه ی نزار قبانی در میان عموم دوست داران شعر نفوذ نداشته و ندارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹، ۱۱۳). در اشعار نزار قبانی عشق او به زن موضوعیت دارد. عاشقانه سرایی او در حوزه ی زنان بازتاب همه ی زوایای ذهنی و ظریف زیبایی شناسی و روان شناختی و دیدگاه های شرقی اوست. عشق به زن محوری ترین موضوع شعری اوست و نگاه او در این زمینه نو، بدیع و زیباست. در اشعار او بیش از هر چیز جرات، بی پروایی در اختیار گرفتن مضامین بکر بی سابقه زیبایی تشبیهات و استعاره ها و شکوه تصویر محسوس است. و این هم در زبانی بسیار نرم و شیوا و همواره سهل و ممتنع و در وزن موسیقی روان القا می شود. نزار قبانی به صورت ذاتی شاعر سرشته شده و قدرت نقاشی با کلمات و به بردگی کشاندن لغات و اصطلاحات عربی را دارد.

رسایی این مضامین عاشقانه تنها از وسیله کارآمدی چون زبان شعری نزار قبانی بر می آید که به زبان گفتار نزدیک و از مفاهیم و عناصر فرهنگ عامه سرشار است. به گفته دکتر شفیعی کدکنی در شعر معاصر عرب: نزار قبانی را شاعر زن و شراب می شناسند و چنین بیان می کند: شاید این عنوان برای بسیاری از خوانندگان رنگی از نوع ریشخند و استهزا داشته باشد اما این حقیقتی است که او هیچ گاه منکر نشده است و با کمال شهامت از این خصیصه ی شعری دفاع می نماید. اگر چه در سال های بعد از جنگ اعراب و اسرائیل نزار گرایش به شعر سیاسی نشان داد اما جان و جمال اصلی شعر او همان عاشقانه های اوست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹، ۱۱۴).

نزار قبانی یکی از رقیق ترین و لطیف ترین زبان های شعری را که در مرز زبان وحشی شعر مدرن و زبان ایستا و کلیشه وار قدیم قرار دارد برگزیده و با این زبان به وصف حالات عاشقی خود و توصیف تاملات خود در باب زن پرداخته است.

زن در نزد نزار موجودی کاملاً برتر و مقدس است او زن را سر چشمه ی آفرینش و زایش و روح حیات و زندگی می داند نزار تعریف و تفسیر زن را امری محال و در حکم مرگ معنای واقعی آن می پندارد. او در باره ی ماهیت زن می گوید: سوال ... لا ارید له جوابا ... لان تفسی الاشیاء الجمیله یقتلها (اسوار، ۱۳۸۳، ۳۴۶) سوالی است که هرگز قصد پاسخ گفتن به آن را ندارم، چرا که هستند چیزهایی زیبا که جواب دادن در حکم قتل آنهاست. نزار قبانی زن را جزء لاینفک جدا نشدنی شعر می داند. نزار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

موسیقی شعر را در پژواک صدای زن جستجو می کند. عشق از جمله به معشوق و زن قسمت اعظم آثارش را در بر می گیرد. از این زاویه می توان نزار قبانی را شاعری فمینیست در قرن حاضر ذکر کرد. او در اشعار عاشقانه ی خود در حوزه زن مشکلات زن را در جامعه عرب به نقد می کشد و در صدد کرامت بخشیدن به زن می شود و با این نگاه که زن موجودی قابل احترام است و باید در جامعه به جایگاه درخورشان برگردد شعر سرایی می کند. نزار قبانی معتقد است وجود زن است که باعث شده تا مرد به اندیشیدن وادار شود و فقط به هوا و هوس زودگذر فکر نکند، بلکه به جنبه های معنوی انسان بیندیشد. ناقدان شعر عرب معاصر بر این باورند نزار قبانی از زن و عشق زن شعر سرایی کرد تا زنان را از چنگ مردان جاهل قبایل عرب نجات بخشد.

علمنی حبک ان الحزن و انا محتاج غند عصور

لا امراه تجعلنی احزن لامره آبکی بین ذراعها مثل العصفور

(قبانی، ۷۰۱)

بسیاری از بزرگان ادبیات عرب بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد نزار قبانی، مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زند، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های عربی معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند. نزار قبانی همچون احمد شاملو عشق مخصوصا عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود. عشق به زن از دیدگاه نزار قبانی و احمد شاملو لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی ست، همچنین احساس عمیق، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای در زن ظهور کند. گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود. جمعی از محققان انسان شناس و نژاد شناس آمریکایی طول مدت عشق را سه سال قلمداد نموده اند و باور دارند این حس زیان سه سال دوام دارد. طول مدت عشق دیوانه وار هم ۷ ماه است و بعد از شدت آن کاسته می شود.

نزار قبانی معتقد است زنانی که در شعریت او تاثیر گذاشته اند و سبب سرایش شعری به مناسبت حضور خود داشته اند بسیار اندک است. او در کتاب داستان من و شعر به روشنی به این مسئله اشاره کرده و می گوید: ((زنانی که در من اثری کرده اند و در باره ی آنان شعری سروده ام قلیل و کم هستند. اینچنین نیست که هر زنی که با او رابطه ای داشته ام، سبب هیجان طبع شعر من شده و هر دوستی با زنی، رغبت مرا به شعر سرودن انگیزته باشد. بسیاری زنان از زندگی من همان طور که آمده اند، خارج شده اند و پشت سر خود یک حرف یا یک (ویرگول) بجا نهاده اند.)) (یوسفی، بکار، ۱۳۵۶ ه. ش، ۱۲۸)

زن و عشق در شعر حسین منزوی:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

حسین منزوی در مهرماه سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر زنجان، پا به عرصه عشق نهاد و به سبب تولدش در پائیز، هم زاد پائیز خوانده شد. پدرش را هنوز حافظه تاریخی زنجان به یاد دارد، شاعری معلم و معلمی شاعر که آنان که در سر کلاس های درس اش لباس شاگردی اش را پوشیده اند هنوز هم طعم شعرخوانی های توام با صلابت و مهربانی اش را حس می کنند. حسین منزوی در یک چنین خانواده فرهیخته و ادب دوستی زندگی را آغازید و تحت تاثیر جو شعری خانه شان به خصوص شعرسرایی و شعرخوانی های پدرش، اولین جرقه های شعر را در وجود پراش خویش حس کرد. در آن روزگاران که جریان و تفکر خاصی بر شهر و کشور حاکم بود، علی الخصوص پس از شکست نهضت ملی در سال ۱۳۳۲ که به یاس و دل زدگی و رکود فکری و عاطفی نویسندگان و شاعران انجامیده بود، منزوی سال های آغازین زندگی اش را در شهر خود می گذراند و روزها و شب ها با هم نشینی و شعرخوانی پدر و التذاذ حسین و خانواده و دوستان شعر دوست سپری می گردد

در همین مدارس زنجان درس خواند و تا پایان مقطع متوسطه روزها و شب هایش را گذرانید در حالی که از ابتدا تحت تاثیر پدر و شعر او و سپس جامعه شعری آن روز زنجان، خود نیز اشعار خوب و پرمغزی می سرود. می توان گفت آن روزها و سال ها هنوز در شهرها شعر نیما و پیروانش چندان شناخته شده نبود و البته به یقین مشخص نیست که منزوی در چند سالگی با شعر نیمایی آشنا شد، اما همین قدر معلوم است که جو روزگار آن دوره به گونه ای بوده که اکثرا در شهرستان ها نیما را کسی به درستی نمی شناخت و حتا در پایتخت هم اکثرا از او و بدایع شعری اش استقبال چندانی نشده بود، چه او کاری کرده بود که هزار سال کسی جرات انجامش را نداشت و سه رکن اصلی شعر یعنی: صورت و قالب، زبان ادبی، و معنی داری شعر را شکسته بود و این به مذاق اکثر اهالی شعر و ادب خوش نیامده بود، همین قدر بگویم زمانی که نیما اولین مثنوی خود یعنی مثنوی "قصه رنگ پریده" را نوشت منزوی چهار سال و زمانی که "افسانه"ی خود را سرود، شش سال بیش تر نداشت. تا آن جایی که با قاطعیت مشخص است پس از شعر پدر، معلم شعری منزوی بیش تر اشعار شهريار تبریزی و رهی معیری بوده است که تحت تاثیر آن دو قرار داشته است. منزوی، خود در جایی از دوستی سخن به میان آورده که اولین دریچه های شعر روز را به رویش گشود و توسط او با شعر نیما و اخوان و شاملو آشنا گردیده است، اما نامی از این دوست عزیز نبرده است اما همین قدر هست که نخستین سرایش هایش بیش تر تحت تاثیر کسی نبود و لذا تجربیات نخستین اش با کسب تدریجی و آموزش گام به گام دانش ادبی توام بوده است

منزوی پس از اتمام تحصیلات متوسطه در زنجان، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می شود و در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل می پردازد، اما بنا به علتی که نامعلوم است پس از چند ترم تحصیل تغییر رشته می دهد و به علوم اجتماعی روی می آورد اما قبل از این که در این رشته نیز فارغ از تحصیل گردد دانشگاه را رها می کند و دیگر ادامه نمی دهد. پس از آن مدتی به کارهای مختلفی همچون ویراستاری، تدریس، ساخت و اجرای برنامه های ادبی در رادیو و تلویزیون می پردازد اما عمر این کارهای منزوی هم کوتاه است و قسمت عمده زندگی اش از طریق حق التالیف مجموعه آثارش سپری گشته است.

در این جا قصد دارم تا نگاهی گذرا به آثار منزوی بیندازیم

حنجره زخمی تغزل: این مجموعه در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید. در دو دفتر، دفتر اول غزل و دفتر دوم شامل اشعار نیمایی و به تبع جو و موقعیت آن سال ها شاعران اغلب سیاسی گویی می کردند و اشعار سیاسی خوانندگان فراوانی داشت، منزوی هم در پاسخ به این نیاز اشعاری با مضامین سیاسی و اجتماعی دارد، اما دست مایه اکثر شعرهایش عاشقانه ها و حماسه هایی هستند که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

اکثرا رنگ و صبغه آذری دارند مثل قصه کوراوغلی که یک قهرمان پرآوازه افسانه ای آذری است و داستان های حماسی فراوانی در موردش توسط شاعران و آشیق ها نوشته و خوانده شده است. اما نکته بارز در مورد این اولین مجموعه منزوی این است که در مقایسه با آثار بعدی اش هنوز به آن صبغه خاص خودش نرسیده است اگر چه بسیاری از اشعارش دل های تشنه ادب دوستان آن روزگار و حتا این روزگار را هم سیراب می سازد و در اوج زیبایی است اما منزوی با توجه به این که اولین قدمش را بر می دارد با توجه به کمی سن و سال و جوانی و ناپختگی، علی الخصوص در شعرهای سیاسی و اجتماعی به آن تجارت لازم و ایدئولوژی خاص نرسیده است اما با همه این حرف ها همین مجموعه در اندک زمانی نایاب گردید .

صفرخان : این مجموعه شعری به سال ۱۳۵۸ در آن روزها و حال و هوای پیروزی انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است و یک منظومه بلند نیمایی است که در آن صفرخان یک شخصیت مبارز و مقاوم و یک الگوی مبارزاتی علیه شاه پهلوی است و سال های سال در زندان سیاسی به سر برده است و سختی ها کشیده و شکنجه ها دیده و پس از پیروزی انقلاب از زندان آزاد می شود اما رخت از دنیا می بندد. این کتاب به سال ۱۳۸۲ تجدید چاپ گردید

از شوکران و شکر : این مجموعه شعری ، جنجالی ترین و پرسروصدا ترین اثر منزوی است که در مقدمه آن به صورت طولانی از موضوعات مختلفی سخن گفته و گلایه کرده است. اول از همه از مشکلات چاپ کتابش و در نهایت با تاخیر چندساله مواجه شدن آن و دیگر این که حق او در شعر و شاعری معاصر آن گونه که باید به چشم نیامده است و شاعرانی چون سیمین بهبهانی که ادعای برابری با او دارند در سایه شعر وی می زیند و از ابتکارات و نوآوری های شعری وی به نام خود استفاده می کنند، به حتم این شکوائیه منزوی به حق است و معلوم نیست چه سری دارد که از ابتدا گروه کثیری بر آن شده اند که نقش و جایگاه شعری اش را کتمان و پنهان کنند و نادیده انگارند. حال آن که آن چه عیان است به بیان حاجت ندارد و روز به روز آفتاب شعر و احساس و اندیشه منزوی بیشتر نمایان می گردد و دیر نیست که خواب خفتگان خفته، چه آن هایی که خود را به خواب زده اند تا ظهور آفتابش را نبینند و چه آن ها که از بغض و کدورت و تنگ نظری چشم دیدن اش را ندارند و چه آن هایی که چشمان خواب آلوده و کم سوییان متوجه ستاره های آسمان است و نظری به آفتاب عالم گیر نمی توانند کرد، همگی را آشفته بسازد .

عشقی که منزوی از آن سخن می گوید لزوما عشق ملموس زمینی نیست گر چه شامل آن نیز میشود (فتحی ، ۱۳۸۸، ۲۴) در شعر منزوی عشق در هر چیزی خودنمایی می کند و به جلوه در می آید حتی در مرگ . او تا آنجا پیش می رود که خود را نیز عشق می نامد . مقایسه ی مضمون زن در شعر حسین منزوی و نزار قبانی از جهات مختلف قابل بررسی ست . زنی که منزوی به تصویر می کشد نه فقط زاینده ی اندیشه و خیال خود او بلکه محصول تغییر جهان به مقوله زن و عشق است . انسان گرایی و صورت زمینی دادن به چهره ی معشوق فرآیندی ست که کم و بیش زاینده ی روح مدرن است . منزوی بر خلاف نزار قبانی زبان شعری عاشقانه هایش زنانه نیست و از جایگاه مردانه خود به عشق پرداخته و مانند نزار جهت درک معطلات زنان جامعه خود جامه زنانه بر تن نکرده است . البته هنوز هم عناصری چون هجر و فراق و سوختن برای وصل معشوق ، اجزایی هستند که به شعر فارسی معنا و رنگ می دهد به همین دلیل است که می توان ادعا کرد شعر منزوی معنایی را به بحث گذاشته است که بیش از این چندان جذاب دانسته نمی شد . او از عشق در عین وصل صحبت می کند ، از یگانگی و همدلی و از معشوقی که چون خود او عاشق است . (منصوره تبریزی ، ۱۳۸۶) منزوی عشق به زن را بیشتر در اندیشه ی زن جستجو می کند تا بعد جسمانی او ، هر چند تفکراتش

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تضادهایی با تفکرات نزار قبانی دارد که میتوان به رگه های مغایرت در نحوه نگرش این دو شاعر به ماهیت وجودی زن اشاره کرد . شعر منزوی بر خلاف شعر نزار قبانی در احترام به حقوق زنان آنچنان پر رنگ نبوده که نگاه غیر همگون جامعه را در این مسئله در پی داشته باشد و شعر او به تنهایی بیش از هر چیز و هر ارکانی در شکل گیری اندیشه الزام به حقوق زنان موفق نبوده است . زن در شعر حسین منزوی در موارد ذیل قابل بررسی و مطالعه است .

معشوق سنتی ، بانوی ذهن شاعر ، معشوق واقعی ،

از عواملی که باعث شد منزوی در این زمینه قلم سرایی کند شرایط خاص جامعه و تداعی خاطرات شاعر بوده که منزوی را در این وادی کشید . او تلفیقی از عشق از عشق سنتی سنتی و مدرن را آمیخت و تعریف جدیدی را در عصر حاضر برای زن ارائه کرد که این تعریف در راستای ارتقای شخصیت و تفکرات و اندیشه های زن خلاصه می شود . عشق در اشعار منزوی به گونه ای زنده و پویاست که وی را به (شاعر همیشگی عشق) بدل کرده است . از دید منزوی عشق کلید درهای بسته و درمان هر دردی ست . منزوی بر این باور است که زندگی بدون عشق مساوی ست با عدم و او عشق را محور و اساس زیستن می داند و مانند حافظ عالم هستی را طفیل وجود عشق می شمارد .

تو ، عشق را به همه عاشقان می آموزی ستاره را به شب و آسمان می آموزی
پری نئی و به صورت چنانی از خوبی که حسن را به پری زادگان می آموزی
چگونه مهر نورزد دلم به ساحت تو تویی که مهر به هر مهربان می آموزی
تو سبز را به درختان سرو می گوئی تو سرخ را به درخت جوان می آموزی
خدا و گر نه مسیحایی ، ای دوباره من چنین که با تن بی جان روان می آموزی

(از شوکران و شکز غزل ۶۲)

عشق جانسوز و ویرانگر یکی از جلوه های عشق در شعر منزوی ست عشقی که همچون اخگر بر جان عاشقان می افتد و او را خاکستر می کند . زبان عشق منزوی لطیف و جذاب و دل انگیز است . شاعر از معشوق می خواهد که با زبان عشق سخن بگوید که زبانی ست لطیف ، روشن ، سهل و ممتنع . یکی دیگر از جلوه های عشق منزوی عشق زمینی ست او در برخی از اشعار خود به وجود عشق زمینی بسنده کرده و آن را به عشق آسمانی ترجیح می دهد . منزوی عقیده دارد دل خالی از عشق نیست و دل بی عشق بیهوده است و عبث . همچنانی که صفحه بی آینه نمایانگر چیزی نیست از دل بی عشق هم نباید انتظار انعکاس نور و روشنایی داشت . از باور حسین منزوی عشق مقامی بلند دارد و این باور قلبی وی در اشعار عاشقانه هایش موج می زند . (شاکر کریم ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، ۱۳۸۷) حسین منزوی خود را هیبت عشق به جامعه معرفی نموده و از محجور ماندن عشق در جامعه لب به شکایت گشوده و خود را سراپا زخمی معرفی کند که تنها عشق مرهم زخم هایش می باشد . گر چه منزوی همانند نزار نقابی درگیر چالش های عشق ملموسانه به خاطر شرایط خاص اجتماعی و مذهبی جامعه خود نگردیده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

ولی به ماهیت عشق اعتقاد قلبی دارد و در معرفی این عشق کوتاهی نکرده است. منزوی توصیف و معرفی عشق را برای خود تکلیف دانسته و در صدد معرفی آن شد.

نتیجه گیری:

نتیجه ای که از تامل و بررسی و مقایسه ی تطبیقی اشعار حسین منزوی و نزار قبانی به عنوان یکی از شاعران بزرگ و تاثیر گذار جهان عرب به دست می آید این است که با دقت در زندگی این دو شاعر نام آور می توان به رگه هایی از مشابهت های این دو شاعر بزرگ ایرانی و سوری در زمینه ی مضمون زن و عشق و معشوق زمینی پی برد. گر چه نوع کیفیت و کمیت عشق و معشوق زن در هر دو شاعر با همدیگر تفاوت دارد و زمینه های عشق به زن در شعر هر دو شاعر خودنمایی می کند و این منجر به آفرینش های آثار شعری و پیشرفت های آنان در شعر و اجتماع می گردد. این عشق همانند آتش زیر خاکستر در لابلای اشعارشان پنهان بود و هر از گاهی خود نمایی می کرد. عشق پنهانی و درونی و البته بسیار عمیق تر و شدید تر در اشعار نزار قبانی نیز خود نمایی می کند. نزار قبانی با اینکه زن داشت متاهل بود ولی به علت اتفاقات عمیق درونی با همسر اولش (زهره از قبیلہ آل بیهم دمشق) همیشه در اشعارش عشق بی پایان خود را به یک زن آرمانی ابراز می کرد. البته شایان ذکر است که مشاهده ی مظلومیت زن به عنوان جنس دوم در جامعه ی عرب نیز عشق او را به این جماعت مظلوم بیشتر و بیشتر می کرد و زبان او را به ستایش زنان و ابراز عشق به آنان بیشتر می نمود. لذا عشق به زن و معشوقه ی زمینی در اشعار نزار قبانی آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است. برداشت های این دو شاعر در خصوص زن و عشق ورزیدن به معشوق متاثر از شرایط اجتماعی و تجربیات فردی و روحیات شخصی می باشد. آنچه از منزوی باید گفت این است که منزوی زندگانش را به پای اعتلای انسان ریخت. بسیاری از بزرگان ادبیات بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد نزار قبانی و حسین منزوی مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زند، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند. نزار قبانی همچون احمد شاملو عشق مخصوصا عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود. عشق به زن از دیدگاه نزار قبانی و احمد شاملو لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی است، همچنین احساس عمیق، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای از زن ظهور کند. گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود. با آنکه نگاه هر دو شاعر به مقوله عشق و زن محترمانه و عاشقانه است، اما گستردگی پردازش نزار قبانی به زنان در شعر هایش در خور تامل است او نگاه خاص و ویژه ای به زنان داشته و تنها زیبایی و دل انگیزی آنان علت توجه او به زنان نبوده، بلکه روح بزرگ و شخصیت حقیقی زن در کنار زیبایی جسمش توصیف می کند. همانگونه که در شعر حسین منزوی نیز زن مفهومی عمیق تا حد عشق را در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بردارد و اساس تصور او از عشق در زنی خطر پیشه خلاصه می شود. نزار قبانی به گفته ی خودش شعر نگفت مگر اینکه زنان را از دست مردان جاهل قبایل عبرت نجات بخشد و زن را به جایگاه حقیقی خود برگرداند. این تفکرات قلبی نزار قبانی را به عنوان یکی از مدافعین حقوق زن معرفی کرده است. و به جرات می توان گفت که پسامد بالایی از شعر نزار قبانی در ستایش عشق و دفاع از حقوق زنان هم نژاد خودشان است. منزوی بر خلاف نزار قبانی زن را یکی از دو کفه ترازوی عاشقی می داند. حسین منزوی تنها به عنوان شاعری عاشق و غزل سرای رمانتیک می شناسیم در حالی که نزار قبانی در میان جمهور به شاعر زن شهره می شود. قبانی برای درک عمیق تر دغدغه های زنانه، گاه جامه زنانه بر تن می کند و میکوشد زبان شعریش زنانه باشد و از زبان آنان سخن گوید در حالی که منزوی همواره بر مسند مردانه ی خویش تکیه زده است. نزار قبانی و حسین منزوی هر دو از یک مقوله به عشق نگاه میکنند و برای آنان عشق سفری پر مخاطره است که آنی صورت می پذیرد و معتقدند هدف اصلی آفرینش انسان همان عشق است. (اشرف احمدی، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲) دست مایه اصلی شعر منزوی غزل عاشقانه است و همواره از عشق با حالت تراژیک آن سخن می گوید و همانند قبانی برای عشق تقدسی آسمانی قایل است و آن را اساس خلقت می داند و این بزرگترین وجه اشتراک دو شاعر است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع و ماخذ :

- اسکارپیت روبر (۱۳۷۴) جامعه شناسی ادبیت ترجمه مرتضی کتبی ، تهران : سمت
- بهداروند ، ارمغان ، آسمان هم رنگی جایگاه زن در اشعار نزار قبانی
- پور نامداریان ، تقی (۱۳۵۷) تاملی در شعر حسین منزوی ، انتشارات آبان
- منصوره تبریزی ، ۱۳۸۶ ویژگی های روانی و جسمانی زن در رابطه ی عاشقانه در اشعار منزوی و نظامی گنجوی
- ترابی ، علی اکبر ۱۳۸۲ ، جامعه شناسی ادبیات فارسی ، تبریز ، انتشارات فروزش
- حافظیان ، فیروزه و کاظمی ، محمد کاظم ، (گفتگو) ۱۳۷۹ ، زن در شعر فارسی از گذشته تا حال
- خاقانی ، علی ۱۳۷۶ ، زن از نگاه شاعر ، تهران ، انتشارات ندای فرهنگ
- فلکی ، محمود ۱۳۷۹ ، نگاهی به شعر منزوی ، تهران ، انتشارات مروارید
- یوسفی ، غلامحسین ۱۳۶۹ چشمه ی روشن ، انشارات علمی
- نفیسی ، مجید ۱۳۸۰ چهره زن در شعر حسین منزوی احمد شاملو
- آذر باد مهر سپندان ، ۱۳۷۹ ، رهام اشد ، موسسه ی انتشارات فرهر اعتصامی
- ابن طقطقی ، ۱۸۹۴ ، الفخری فی آداب الطانیه و الدول الاسلامیه فی مقوله عشق
- ابن بعید ربه ، شهاب الدین احمد ۱۹۹۹ ، العقد الفرید ، بیروت ، دار و مکتبو الهلال للطباعة و النشر
- دکتر جواد دهقانیان ، ۱۳۹۲ ، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان ، نشریات علمی پژوهشی
- بهار ، ۹۲
- المقدسی ، المهر بن الطاهر ، ۱۹۰۶ ، احسن التقاسیم ، چاپ لیدن
- اجتماعی جندقی ، ۱۳۸۴ ، انتشارات سخن و نگاه
- عبدالباسط عرب یوسف آبادی ۱۳۸۲ ، بررسی جلوه های پایداری در شعر نزار قبانی ، استادیار زبان و ادبیات فارسی
- محمد جواد مهدوی ، ۱۳۷۹ ، نزار قبانی شاعر زن ، استاد یار دانشگاه سمنان
- علی باقر طاهر نیا ۱۳۸۶ ، بررسی سیمالوژی مضمون عشق و زن در اشعار نزار قبانی
- فروغ فرخزاد ۱۳۸۴ ، شعر زمان ما ، تهران ، انتشارات نگاه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

غلامحسین یوسفی ۱۳۶۸، من و شعر نزار قبانی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

شفیعی کدکنی محمد رضا، ۱۳۸۰، شعر معاصر عرب، تهران، انتشارات ایران

احمدی، اشرف، ۱۳۹۲، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی

شاکر، کریم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عبدی، سالار، روزنامه مردم سالاری، ۱۳۹۰